

گزارش

بهره برداری سیاسی از مراسم عاشوراء در ایران

14 سپتامبر 2021



RASANA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies

مجمع روحانیون مبارز در ایران، طی نشستی که در تاریخ 10 اوت 2021 میلادی داشت، با صدور بیانیه ای «بر پاسداری و حیانت از میراث اهل بیت در مقابل خرافات و نیز حفظ جان مردم تأکید کرد». در این بیانیه از «دوستداران اهل بیت» خواسته شده است که از میراث تشیع در مقابل خرافات نگاهبانی کنند. و اجازه ندهند جمعی یا به علت بی اطلاعی از حقایق معارف قرآنی و از احادیث متقن و مأثور از معصومین و یا به علت سوء استفاده مادی از دین و از عاشوراء مردم را به اموری وادار کنند که اسلام و تشیع و ایران را در انظار جهانیان مشوه و وارونه نشان دهد و بدون تقیه و ابهام به مردم با صراحت اعلام کنند که [حفظ جان مردم از هر مستحبی بالاتر و غیر قابل مقایسه است.](#)

گفتنی است که مجمع روحانیون مبارز در این بیانیه از علما و «دوستداران اهل بیت» خواسته اند که [برای حمایت از مسیر نورانی پیامبر و ائمه به صحنه بیایند.](#) گفتنی است [برخلاف جامعه روحانیت مبارز](#) که طرفدار جناح «محافظه کار است»، مجمع روحانیون مبارز راهش از جریان سنتی حوزه جداست و طرفدار جناح دینی «اصلاح طلب» می باشد.

با دقت در بیانیه مجمع، در می یابیم که این بیانیه در مقابل دو رویکرد موضع گرفته است: اول، جریان مراسم مذهبی است که شعائر حسینی را محور قرار داده و به طور گسترده ای آن را ترویج می کند تا جایی که نه تنها از چارچوب مذهب بلکه از حیطة فرهنگ سنتی جامعه نیز پا را فراتر نهاده است و پیشگام این رویکرد، جریان شیرازی است. در این بیانیه در مورد حفظ جان که از اصول کلی شریعت اسلامی است، تذکر داده شده است. زیرا «برخی افراد در نتیجه زنجیر زنی، راه رفتن روی آتش، قمه زنی و بدعت هایی از این قبیل، به جان خود آسیب می رسانند. در این بیانیه از علما خواسته شده است که بدون تقیه و ابهام به مردم با صراحت اعلام کنند که حفظ جان مردم از هر مستحبی بالاتر است» دومین رویکردی که این بیانیه در مقابل آن موضع گرفته، جریان نزدیک به رژیم است که بیشتر از اینکه منافع دین و مذهب و آبروی کشور برایشان مهم باشد، نگران نفوذ خود در میان قشر مذهبی جامعه هستند. این جریان جدای از اینکه از رهگذر مراسم عاشوراء دنبال اهداف سیاسی خود هستند، از این طریق منافع مادی نیز نصیب آنان می شود که دست آنان را در برخورد قاطع با اشاعه دهندگان خرافات می بندد.

موافقان و مخالفان بهره برداری سیاسی آیین مذهبی

رفتارهای غیر عقلانی شیعه در مورد عاشوراء پیشینه طولانی دارد و در طول تاریخ میراث حوزه در مورد شعائر حسینی نیز دستخوش تغییراتی شده است به گونه ای که نگرانی برخی از مراجع دینی از داخل حوزه را نیز برانگیخته است. برخی از فقهای شیعه که از جمله «اطلاح طلبان حوزه» به حساب می آیند مانند سید حسین فضل الله (1935-2010م) بر این باور هستند که این رفتارها در مراسم عزاداری هیچ **بنیان شرعی** ندارد. به نظر فضل الله، «در نتیجه حمایت برخی علما از رفتارهای خرافی در عزاداری، بدعت به حدی رسیده است که برخی این رفتارها را برای **گسترش و ترویج مذهب تشیع**، مستحب می دانند». و این امر سبب پیدایش بدعت هایی شده است. به عنوان مثال عده ای در ایران اقدام به زنجیر زنی، راه رفتن روی آتش می کنند و یا **حتی خود را در آتش می اندازند**. به نظر می رسد مخاطب این فرافراز سخنان فضل الله، خامننه ای است که این رفتارها را در مراسم عزاداری مباح دانسته است که در سطور بعدی این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

به نظر می رسد که عوامل قومی و نژادی، و انحراف عقیدتی در پیدایش این رفتارهای تندروانه در ایران نقش داشته است. مرتضی مطهری (1919-1979م) نسبت به این نوع رفتارها در ایران انتقاد کرده و می گوید: «یکی از عواملی که سبب شده است ما ایرانیها تا این حد بی تفاوت و بی مسئولیت باشیم (می گوید یکی از عوامل؛ به خاطر اینکه فاکتورهای قومی و نژادی هم دخیل هستند) برداشت نادرست ما از قیام امام حسین است». سپس او به ظهور جریان فکری ارجاء شیعی می پردازد که به عقیده این جریان، این نوع عزاداریها سعادت اخروی را برای انسان تضمین می کند. (ر.ک: محمد باقری و مهدی جهرمی، نقد اندیشه دینی مرتضی مطهری «ایالات متحده، ورجینیا: مؤسسه جهانی اندیشه اسلامی، 2011 م» ص 50).

قابل ذکر است که قرائت رسمی رژیم ایران، برخی اقدامات همچون قمه زدن در روز عاشوراء را حرام می داند. و رهبر ایران با صدور فتوایی این نوع رفتارها را **حرام دانسته و از آن منع کرده است**. او در یکی از سخنرانیهای خود گفته است: «اضافه کردن خرافات به عزاداری و انجام کارهای غیر عاقلانه به نام عزاداری و گرامیداشت عاشوراء هیچ **خدمتی به نهضت امام حسین نمی کند**. اما در عین حال، این موضع خامننه ای نه به خاطر بدعت بودن این اعمال است، و نه بخاطر این است که این رفتارها با انگیزه های سیاسی از زمان آل بویه و صفویه و قاجاریه که از شعائر حسینی برای

تقویت جایگاه دینی و سیاسی خود استفاده کردند، در مذهب راه یافته است. بلکه خامنه ای به این سبب این کارها را حرام می داند که موجب «وهن مذهب حق» و «توهین به مذهب شیعه» است. اما «اصلاح طلبان حوزه» -همانطور که قبلا در مورد فضل الله اشاره داشتیم- به این علت این رفتارها را حرام می دانند که «انتساب این رفتارها به ائمه و علمای ثقه، ثابت نشده است». از نظر خامنه ای، زنجیر زنی مجاز است و موجب وهن مذهب نمی گردد «تا زمانیکه جزء عرف عزاداری و اظهار حزن در عزای حسینی است، [اشکالی ندارد](#)» با اینکه زنجیر زنی به اندازه قمه زنی، موجب آزار و ضرر به جسم و جان انسان می گردد. (قمه زنی: یعنی اینکه با وسایل تیز همچون شمشیر، چاقو و زنجیر به سر ضربه بزنند که موجب جراحت و خونریزی گردد).

این نوع فتواها، در راستای سیاسی کردن و سیاسی کردن متقابل صورت می گیرد. ولایتمداران نه تنها ابایی از استفاده سیاسی از «قیام» امام حسین ندارند بلکه معمولا عبارت های چپ گرایانه و مدرنی همچون «نهضت امام حسین» و دو گانه استکبار و مستضعفین، و مقابله با حاکمان ستمگر و غیره را که بسیار مورد استفاده قرار می دهند، الهام گرفته از قیام امام حسین می دانند.

اینجاست که، خامنه ای در یکی از سخنرانیهای خود به مناسبت عاشورا می گوید: «می گویند چرا عزاداری و سوگواری و گریه و اشک را در میان مردم ترویج می دهید؟ این عزاداریها و اشک ریختن ها تنها به اشک ریختن و گریستن ختم نمی شود بلکه هدف زنده کردن ارزشهاست. آنچه پشت سر این عزاداریها و سینه زنی ها و اشک ریختن ها قرار دارد، بسیار ارزشمند است و از جمله گنج های انسان است و آن عبارت است از [ارزشهای معنوی الهی](#)».

او در سخنانی که واضح است هدفش سیاسی کردن قیام امام حسین است، می گوید: «حسین بن علی قیام کرد تا بینی حاکمان ستمگر و [حاکمانی را که به ارزشهای اسلامی و انسانی و الهی بهایی قائل نیستند، به خاک بمالد](#)».

حیدر حب الله با این قرائت های ولایتمدارانه کنونی مخالف است. به باور او، این نوع قرائت از قیام امام حسین بعد از انقلاب 1979 میلادی خلق شد و قیام امام حسین با یک دید سیاسی مورد خوانش قرار گرفت به گونه ای که با اهداف این انقلاب سازگاری داشته باشد. و این نوع خوانش انقلابی [با تفسیرهای دیگری که با سیاق و زمان قیام امام حسین همخوانی دارد](#)، بسیار متفاوت است.

این اختلاف در دیدگاه، تنها در میان شیعیان در جغرافیای ایران محدود نمی شود بلکه این تغایر همه شیعیان جهان را در بر گرفته است. هر ساله در ماه محرم میان طرفداران «جنبش امل» با پیروان «حزب الله» در مورد قمه زدن اختلافاتی بروز می کند. «حزب الله» به تبعیت از خامنه ای و دیدگاه او، قمه زدن را ممنوع می کند. در حالیکه «جنبش امل» نه تنها چنین ممنوعیتی را اعمال نمی کند بلکه آن را ترویج هم می کند. و در اینجاست که [رقابت سیاسی بسیار پر رنگ خودنمایی می کند](#). هر دو طرف تلاش می کنند که قرائت رسمی خود را به کرسی نشانده و در خیابانها به نمایش قدرت پردازند. حزب الله تلاش می کند تا مرجعیت «ولی فقیه» را در میان جامعه تشیع لبنان تقویت نماید و «[جنبش امل](#)» هم [مرجع خود را دارد که با مرجعیت «ولی فقیه» اختلاف دارد](#) و این اختلاف تنها در مسائل عقیدتی خلاصه نمی شود بلکه مدیریت امور عامه [همچون مسائل سیاسی و اقتصادی را نیز در بر می گیرد](#).

با شدت گرفتن رقابت و اختلافات در مسائل مذهبی و سیاسی، هر فردی که از اعضای «حزب الله» که اقدام به قمه زدن کند، [فورا از عضویت این حزب اخراج می شود](#).

بنابراین، به نظر می رسد که موضع «ولایتمداران» (چه در داخل و چه در خارج کشور) در قبال قمه زدن، یک موضع گیری سیاسی باشد. و اگر از لحاظ فنی به قضیه دقت کنیم می بینیم که علت تحریم آن بیشتر به سیاست باز می گردد تا اینکه مبنای فقهی داشته باشد. اگر «حزب الله» در مسائل مربوط به مراسم مذهبی با قرائت ولایی خود در مقابل جنبش امل می ایستد، «ولایتمداران» در ایران و عراق نیز با همین شیوه در مقابل رقبای خود مخصوصا در مقابل جریان شیرازی قد علم می کنند. گفتنی است که [جریان شیرازی با این توجیه که این رفتارها ریشه در اصل مذهب دارد](#)، آنها را ترویج و تبلیغ می کند و آن را [فصل تمایز شیعه از عامه مردم \(مقلدان و غیر مقلدان\)](#) می داند. این قرائت مردم پسند شیرازی سبب شده است که جریان او در میان جامعه تشیع و حتی در داخل ایران طرفداران زیادی کسب کند. لازم به ذکر است که جریان شیرازی نظریه ولایت فقیه را قبول ندارند و اینکه رژیم قمه زنی را حرام دانسته را نیز [یک بازی سیاسی](#) می دانند.

رژیم ایران از این می هراسد که مبادا گفتمان شیرازی در جوامع تشیع نفوذ کرده و بر موضع گیری شیعیان در مورد انتخاب مرجع تقلید نیز تأثیر بگذارد. و این واقعیت از فتواها، و فتوهای مخالف به خوبی فهمیده می شود. [این گفتمان جریان شیرازی تنها به زمان مرجعیت صادق شیرازی مربوط](#)

نمی شود بلکه در زمان مرجعیت برادر بزرگترش محمد مهدی شیرازی نیز همین گفتمان، به عنوان گفتمان راهبردی این جریان غالب بود. اما مرجعیت نجف در این مسأله اختلافی در کدام سو قرار دارد؟ آیت الله سیستانی در این باب موضع میانه ای اتخاذ کرده است به گونه ای که نه آن را حرام دانسته و نه مباح. برخی معتقدند که از دهه سوم قرن بیستم بر سر همین مسأله میان مراجع نجف اختلاف نظر وجود داشته است به همین سبب آیت الله سیستانی موضع میانه ای اتخاذ کرده است. در ایران «جریان اصلاح طلب» با رژیم و «جریان محافظه کار» در این اصل اتفاق نظر دارند که باید مراسم مذهبی را از لوث رفتارهای خرافی پاک کرد. اما «اصلاح طلبان» بر این باورند که باید به تمام مذهب با دید عقلانی نگریست و از مراسم و باورهای دینی خرافه زدایی کرد. اما «محافظه کاران» که تا کنون به قرائت حرفی و نصی و سنتی از دین چنگ زده اند، از این موضع خود حتی به خاطر منافع علیای وحدت مسلمین کوتاه نمی آیند و با عقلانی کردن مذهب مخالف هستند.

تاریخی طولانی از بهره گیری سیاسی

در طول تاریخ، مراسمات حسینی در خدمت اهداف سیاسی قرار گرفته است. در زمان آل بویه، مراسمات حسینی جنبه رسمی به خود گرفت و به مردم دستور داده شد که در جاده ها مراسم عزاداری برگزار کنند و بعد از اینکه آل بویه از مذهب برای خود سپر ساخت و آن را در خدمت اهداف خود به کار گرفت، این مسأله به اختلافات مذهبی به شدت دامن زد. بعدها، صفوی ها با هدف محکم ساختن قدرت داخلی خود و نیز بهره برداری فرقه گرا از آن بر علیه عثمانی ها به عنوان دشمنان خارجی و مخالفان داخلی مانند قزلباشها و دیگر مخالفان داخلی، با سازماندهی کردن مراسم عزاداری آن را مورد توجه خاص قرار دادند. پادشاهان صفوی که ماهیت وجودی حکومت خود را پاسداری از مرزهای تشیع تعریف کرده بودند، در مراسم عزاداری مردم در حسینیه ها شرکت می کردند. بعد از آن، قاجاریه روی کار آمدند و شاهان قاجاری نیز برای تحکیم جایگاه خود در میان عامه مردم به مراسم عزاداری به طور بی سابقه ای توجه نشان دادند. آنها بر مقبره های خاندان پیامبر، در ایران و عراق بارگاههایی بنا کردند و با این کار توانستند احساسات مذهبی مردم را کسب کنند. اوج این بهره برداری سیاسی از قضیه امام حسین در سفر زیارتی ناصر الدین قاجار به کربلا دیده می شود که در کنار مرقد امام حسین ایستاد و گفت: «امام حسین در روز عاشوراء فریاد زد که آیا کسی هست که مرا یاری کند؟ اکنون یاری گر

تو آمده و در پیشگاه تو ایستاده است تا یاری ات کند» (ر.ک: حیدر حب الله، بحث و جدل در باب شعائر حسینی، «بیروت: دار الهادی، 2009 م»، ص 62)

در دوره پلهوی به علت رسمیت بخشیدن به سیاست های جدایی دین از مذهب و احیای قومیت ایرانی، این گرایش به بهره برداری سیاسی از قیام عاشوراء کم رنگ تر شد اما به طور کل از بین نرفت. تا اینکه با انقلاب 1979 میلادی ایران این گرایش طرفداران فراوانی به خود جلب کرد و نخبگان دینی ایران تلاش کردند به انقلاب رنگ و بوی دینی داده و از این راه طرحها و قرائت های دینی خود را بر همه مردم کشور تحمیل کنند و با استفاده از ابزار عقیده و مذهب با مخالفان سیاسی خود برخورد کنند.

برآیند

محافل علمی و دینی طرفدار «اصلاح طلبان» می کوشند به مراسم دینی از دیدی عقلانی نگریسته و آن را از خرافاتی که از طریق آداب و رسوم ملی و خرافات مذهبی و اضافات دستگاههای حکومتی و تمایلات عامه پسند، وارد آن شده پالایش کنند. با اینکه نظام رسمی ایران در برخورد با برخی از رفتارهای مشخص - و نه تمام آنچه را اصلاح طلبان خرافه و بدعت می دانند - راهبرد متفاوتی را در پیش گرفته است. اما هم «اصلاح طلبان» و هم «محافظه کاران» درباره خطر قرائت تندروانه جریان شیرازی و طرفداران آنها از شعائر حسینی اتفاق نظر دارند. و از این بیم دارند که مبدا این گفتمان جایگاه خود را در جامعه تشیع در سطح جهان یافته و به نام تشیع مذهب عرصه را در انحصار بگیرد. لذا، می بینیم همان راهبردی را که رژیم ایران در داخل کشور در پیش می گیرد، «حزب الله» نیز در لبنان در پیش گرفته است و این مراسم را به گونه ای مدیریت می کنند که به دید و نظر مردم نسبت به «ولی فقیه» آسیبی نرسد. اما جریان شیرازی و طرفدارانش بیشتر بر جنبه پوپولیستی و عاطفه عامه مردم از یک طرف، و از سویی دیگر بر استقلال خود از سیاست رژیم ایران حساب باز کرده اند و حتی روش خود را بسی فراتر از سیاست رژیم ایران می دانند.



RASANAH
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies

